

باهشیاری، آمادگی و اتحاد خلق

توطئه‌های ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا را نقش بر آب سازیم

بر آب سازیم

بطوریکه روزنامه نیویورک تایمز خبر داده است رئیس جمهور آمریکا، کارتر، پوزارت دفاع - پنتاگون دستور داده است که اقدام جدیدی برای باطل کردن آزاد کردن گروگانها بنماید و پنتاگون در اجرای دستور رئیس جمهور، با همکاری سیا، به تسداریک مستقیم آن پرداخته است.

البته، اینها طرق و وسائل عمده است که توأماً و باهم از طرف امپریالیسم امریکایی علیه ایران مورد استفاده واقع میشود. اما بر حسب شرایط خاص زمان و مکان، گاه این و گاه آن طریق و وسیله در مرکز توجه واقعات عملی دولت امریکا علیه انقلاب ایران و مردم آن قرار گرفته است.

بطوریکه تجربه این یکسال و چندماه که از پیروزی انقلاب ایران میگذرد، نشان داده است، چه اعمال فشارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره از طرف دولت امریکا، چه تلاش جهت سازش با محافل لیبرال و دیگر همفکران و همستان خود در ایران، و چه توطئه‌ها، تحریکات و خرابکاریهای ضد انقلاب داخلی، همه و همه در نتیجه هوشیاری، جاننازی و پایداری توده‌های مردم و عسکران و رهبران انقلاب، امام خمینی، تاکنون افشا گردیده و شکست خورده است.

اینستکه دیده میشود اکنون دولت کارتر مرکز نقل اقدامات خود را جهت زیر سلطه کشیدن ایران بیشتر روی اعمال زور فیزیکی و تجاوز مستقیم نظامی قرار داده است. و بطوریکه اخبار مربوط به عناصر و سرمداران ضد انقلاب نشان میدهد (مصاحبه‌های پختیار، گفته‌های اویسی و غیره) دولت امریکا عمل هم آهنگ ضد انقلاب داخلی با تجاوز مستقیم و شریبه نظامی را با هم در نظر گرفته و تدارک دیده است.

تردید نیست که امپریالیسم، پس کردگی امپریالیسم آمریکا، این بار هم، مثل دفعات پیش، شکست خواهد خورد. اما برای این کار، برای پیروزی بر امپریالیسم جهان - خوار آمریکا، این دشمن اصلی انقلاب و مردم ایران، هوشیاری همه نیروهای خلق و اتحاد همه آنها ضروری است. در همان حال باید برای مقابله با توطئه‌های خرابکارانه و پیروزی تجاوز نظامی آمریکا، با ایران از هر باره آماده بود.

اقتصادی، نظامی و غیره، سیاسی، در تشدید و گسترش این فشارها و ادار کردن دیگر دولت‌های جهان سرمایه‌داری و پیروی از دولت امریکا در این کار، هم توطئه‌های ضد انقلابی شیطان بزرگ را نقش بر آب سازیم.

باید از هر اقدامی که به آشوب گراید، پرهیز کرد

در آمدشان از این مبلغ بسیار کمتر است. فراموش نکنیم که اسامیل حداقل دستمزد کارگران فقط ۱۹۰۰ تومان تعیین شده است. حاصل این گرانی و حشمتاک و عصبانسی کتند آنت که طاقت مردم، به پایان رسیده، در صفها لب به شکوه و شکایت میکشایند و اینجا و آنجا با فروغندگان و دکهداران درگیر می‌شوند. آخرین نمونه آن اقدام زنان خانه‌دار در خیابان گرگان است، که روزیکشنبه چهارم خرداد در اعتراض به گرانی فروش بازار میوه و تره‌بار خیابان گرگان را بستند و با شعار هرگز به گرانی فروش راه نمایی کردند. یکی از مسئولین کمیته کلاتری منطقه ۶ به خبرنگار خبرگزاری پارس گفته است که، «دخانهای خانه‌دار میخواهند، این بازار راه آتش بکشند.»

بدنمال این رویداد و اخبار دیگری که دربارهٔ بقیه در صفحه ۲

گرانی مایحتاج عمومی نفس مردم را بریده است. هیچ ضابطه و معیاری جز طبع طماع پول پرست بازرگانان عمده فروش و مستکران و دلال‌ها وجود ندارد. اکثریت مطلق مردم زحمتکش، که درآمد ناگفتنی و ثابت دارند، برای تأمین کالاهای مصرفی خود باید اسامیل سی درصد بیشتر از سال گذشته پول بپردازند، که معلوم نیست از کجا و چگونه؟

بنا به آمار بانک مرکزی ایران، بهای کالاهای مصرفی تا اسفند ۱۳۵۸ ۲۵ درصد ترقی داشته، که در این چندماه آغاز سال ۱۳۵۹، گرانی از مرز سی درصد هم فراتر رفته است. یک هندوانه معمولی به بهای ۲۵ تا ۳۰ تومان، خیار کیلویی ۸ تومان، زردآلو کیلویی ۳۵ تومان و سبزی کیلویی ۷-۸ تومان به خریدار عرضه میشود، که خانواده‌ای با درآمد ماهانه ۵۰۰ هزار تومان هم قادر بخیرید نیست، تا چه رسد به زحمتکشانی که

تبلیغات ضد انقلابی را افشا و خنثی کنیم

افشا و خنثی کنیم

میکوشیم تا با بررسی گروه محتویات این روزنامه‌های ضد انقلابی در خارج از کشور، خطوط اصلی سیاست تبلیغاتی ضد انقلاب را ترسیم کنیم، باشد که از این راه بتوانیم به خنثی کردن تبلیغات سوء دشمنان ایران کمک کرده باشیم.

دروس این سیاست عبارتست از:
۱- تیرگه رژیم شاه مخلوع بعنوان رژیم که به دلیل دفاع از منافع ایران در برابر انحصارات و تراستها، بوسیله و با توطئه آنان سرنگون شده است!

این نظریه، که ابتدا خود شاه مخلوع در یکی از مصاحبه‌ها پیش آنرا عنوان کرد و در کتاب اخیرش (پاسخ به تاریخ بارها) تکرار میکند، به ترجیح بند مطبوعات ضد انقلابی در خارج از کشور تبدیل شده است.

میکویند کافذ قدرت تحمل هر دروغی را دارد، اما گمان میکنیم که این دروغ شاخدار هر کافذی را نیز پاره خواهد کرد. واقعاً چه کسی بهتر از شاه مخلوع میتواند از منافع انحصارات و تراستها (بخصوص نیرومندترین آنها، یعنی انحصارات اسلحه سازی و نفتی) دفاع کند و چه کسی جز ارتجاعی ترین و غارتگر ترین جناح امپریالیستی، بویژه امپریالیسم آمریکا بود، که تا آخرین نفس زیر بال شاه مخلوع و اطرافیان مبین فروشش را گرفت؟

۲- هتک حیثیت جمهوری اسلامی ایران - ضد انقلاب سعی میکند تمام اقداماتی را که در جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از انقلاب بسود مردم ایران انجام گرفته است، تخطئه کند و در این راه از گفتن بزرگترین دروغها و زدن کثیفترین تهمت‌ها ابدی ندارد. در بیان این لاشخوران و انگلیانی که از خون زحمتکشان ایران چون زالو باد کرده‌اند، این جمهوری اسلامی ایران باست که ثروتهای مادی و معنوی ایران را بخراب گذارده است، نه شاه خائن و نوکرانش، که بیعت امپریالیسم آمریکا بودند. صفحات روزنامه‌های ضد انقلابی در خارج بر از اینگونه دروغهای شاخدار گوییزی است.

۳- تبلیغ ناسیونالیسم و شوونیسم، با سوء استفاده از احساسات ملی مردم و قراردادن این احساسات در برابر اسلام انقلابی و مردمی، اسلام که منکر استثمار، منکر سرمایه‌داری، منکر زمینداری بزرگ و طرفدار برابری و برادری تمام مستضعفین است. چالب است که ضد انقلاب در همان حال از «اسلام» طرفدار «تاجداران» جانبداری می‌کند!

۴- حمله به نهادهای انقلاب: سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها و....

مطبوعات ضد انقلاب در خارج از کشور نسبت به این نهادها، بخصوص پاسداران کینه حیوانی دارند. این کینه ضد انقلابیون فراری قابل درک است. آنان حق دارند به نهادهای انقلابی، که بجان و مال ملتوین را گرفته‌اند و برای سرکوب ضد انقلاب فعالیت می‌کنند، کینه داشته باشند.

اما این قانون هر انقلاب اسمیلی است که بجان و مال بقیه در صفحه ۲

مبارزه تبلیغاتی بر ضد ایران یکی از جنبه‌های اصلی مبارزه امپریالیسم و داروستانه شاه مخلوع - بختیار علیه انقلاب ماست. در این جنبه نیز مانند سایر جنبه‌ها، ضد انقلاب داخلی و امپریالیست‌ها، پس کسردگی امپریالیسم آمریکا، ارگستر هماهنگی بر ضد انقلاب ایران تشکیل داده‌اند. هدف اصلی از این تبلیغات منزوی ساختن انقلاب ایران در سطح بین‌المللی از یکسو و متفرقه کردن حکومت جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور از سوی دیگر است.

رادپوها و تلویزیونها و روزنامه‌های وابسته به محافل امپریالیستی هر روز هزاران تپت و افترا بر ضد ایران پخش می‌کنند، تا چهره انقلاب ما را در برابر توده‌های مردم کشورهای سرمایه‌داری و جهان سوم، در پشت پرده‌ای از دروغ و تپت بپوشانند و همبستگی خلقهای این کشورها را با انقلاب ایران برهیزند.

علاوه بر تبلیغاتی که در رادپوها و تلویزیونهای کشورهای امپریالیستی علیه ایران انجام میگردد، طی یکسال و چند ماهی که از انقلاب ما میگذرد، صدها مقاله، بروشور و کتاب بر ضد انقلاب ایران نوشته شده است. حتی محدثرضا پهلوی، این مرد متعفن تاریخ نیز با میدان «مبارزه» گذاشته، کتابی بنام «پاسخ به تاریخ» سرپا دروغ و تپت درباره انقلاب ایران، نوشته و با تیراژ وسیع در سراسر جهان منتشر کرده است.

امپریالیست‌ها و ضد انقلابیون فراری با امکانات وسیع مالی خود میکوشند انقلاب ایران را در یک جو خصومت‌بار روانی محاسره کنند، زیرا تنها در داخل این جو است که حکومتهای امپریالیستی، بویژه امپریالیستهای آمریکایی می‌توانند برنامه‌های ضد ایرانی خود، از قبیل تحریم اقتصادی، فشار سیاسی، تجاوز نظامی و غیره را بدون برخورد با مقاومت جدی از سوی توده‌های مردم به مرحله اجرا در آورند.

از سوی دیگر شبکه ضد انقلابیون فراری تبلیغات گسترده‌ای را در خارج و داخل کشور بر ضد انقلاب ایران سازمان داده است. تعرض تبلیغاتی ضد انقلاب در خارج همان با فعالیت شبکه داخلی آن اوج میگردد.

اکنون در کشورهای سرمایه‌داری اروپا و در ایالات متحده آمریکا چندین نشریه ضد انقلابی بفراسی چاپ و منتشر میگردد که نه تنها در میان ایرانیان ساکن این کشورها، که تعدادشان بالغ بر چند صد هزار نفر است، بلکه همچنین با وسایل مختلف در داخل کشور نیز توزیع میگردد. هزاران نفری که در هر هفته به کشورهای اروپای غربی سفر می‌کنند، و بخش بزرگی از آنان نیز وابستگان مستقیم و غیر مستقیم به رژیم سابق هستند، پس از بازگشت به ایران، مطالب این روزنامه‌های مزدور را در میان مردم شایع میکنند. بدین ترتیب شبکه تبلیغاتی امپریالیسم خارجی و ضد انقلاب داخلی با هم گره میخورد.

تقسیم کار بین این دو، بر حسب وظایفشان (منفرد ساختن انقلاب ایران از بین زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری و جهان سوم) - و سپس نیروهای ضد انقلاب داخلی) بدقت تعیین میگردد. نظری به محتوای روزنامه‌های ضد انقلابی، که در خارج از کشور بنامهای گوناگون از قبیل آرا، مرغ طوفان، اسفر آقا، حاجی بابا و غیره منتشر میگردد، میتواند هدفهای تبلیغاتی ضد انقلاب و سیاست آن را تا حدود زیادی برای ما روشن سازد.

قبل از هر چیز باید توجه داشت که در تاریخ جهان هیچ ضد انقلابی از این امکانات وسیع مالی برخوردار نبوده است. اموال غارتی شاه مخلوع به تنهایی از بودجه دولتی بسیاری از کشورهای جهان بیشتر است. ضد انقلاب به آسانی میتواند بخش ناچیزی از درآمد خود را صرفاً در تبلیغاتی بکند و با همکاری سرویس‌های جاسوسی امپریالیستی و شبکه شایعه‌پرازی خود در ایران، برخی از اقتدار ناگه‌گام مردم را بدام نیرنگهای خود گرفتار سازد.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۵
سه شنبه ۶ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریا

در صفحات بعد



بادشمن اصلی مردم ایران (امپریالیسم آمریکا) بیشتر آشنا شویم صفحات ۷ و ۳

نژاد پرستی گستاخانه نقدی بر فیلم دیوفاولی سفینه مسائل و رویدادهای حسری صفحه ۶

کارگران و مسئله‌ای بنام اضافه کاری مسائل کارگری - صفحه ۴

از منزلت انسانی در اینجا چه مانده است گزارش از محرومیت‌ها و مشکلات روستائیان و مراد آباد - مسائل دهقانی - صفحه ۵

کمالی، شکنجه‌گر ساواک در انفجارات اخیر دست داشت صفحه ۸

یک، دو، سه

یک فناری بردست دو کوپتر برپام و سه گنجشک به شاخ شمشاد هیچ پیوندیشان باهم نیست.
انفجار خطری... همه مرغانی هستند رهانی جو بربال هوا.
انفجار چه خطر هاست، جهان میلرزد و تو تنها در خویش و شما تنها در خویش و همه ما تنها؟
سیاوش کسرائی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

مردمی که میخواستند آزادی خود را از اسارت دوگانه استعمار و استثمار بدست آورند، باید قدر پادشاهان بدوستان و دشمنان خود در این عرصه، بدرستی مریزندی کنند. انقلاب ایران و رهبر آن امام خمینی، دشمن اصلی مردم ایران را امپریالیسم آمریکا اعلام داشتند و بدرستی هم اعلام داشتند. امپریالیسم آمریکا غیر از مردم آمریکا است، که خود در اسارت میلیاردها و ابرمیلیاردها زندگی می کنند و با زنجیر دلواره بسته شده اند، اگرچه اکثرا این زنجیر را نمی بینند و هنوز هم با لائسی افشگران دلار درخوایند.

امپریالیسم آمریکا پس از جنگ جهانی دوم جانشین دیکتاتورهای مملکتی، امپریالیسم بریتانیا، در گستره آنگلی بر دنیا شد. مطلب را هم نمی پوشانند. تمام جهان سرمایه داری بر سر مسئله «رهبری» آمریکا تکیه می کنند و «محافظ هبستگی» با آن از پشت هر تریبون با فصاحت و بلاغت ابلاغ می گردد. این دیگر گویا وابستگی و وطن فروشی نیست؛ این دیگر به نظر آنها عین وطن پرستی، هم هست و تنها هبستگی زحمتکشان است که دنیای نام دارد.

بوروژوازی آنکلسا کونین از قرن هفدهم، شکل نخستین طبقه بورژوازی نیرومندی که هم پایه اقتصادی یافت و هم در قدرت دولتی شرکت ورزیده، شکل گرفت. در جهانی که هنوز با در خواب پدرسالاری و فئودالی فرو رفته یا دچار سستی اشرافیت و شکوه و جلال و غلبه و دلال آن بود، این بورژوازی حیلگی، با دیدگان باز یک تاجر بازاریاب و کالاشناس، سوار بر کشتیهای بادی و سپس بخاری و موتوری بساط خود را در چهار گوشه زمین ما گسترده بورژوازی آنکلسا کونین علاوه بر گستره بریتانیا، کبیر، کشورهای ایالات متحده آمریکا، کانادا، کاپیا افریقای جنوبی (پرتوریا) روتویا (زیمبابوه کنونی) استرالیا و زلند جدید را به وطنهای تازه ای برای خود بدل کرد و از اینکه در این جریان حقوق حقه ملی و وطن سرخوستان بومی آمریکا، سیاه پوستان بومی افریقای غربی، فرانسیها ساکن کبک (کانادا) و لوئیزیان (ایالات متحده)، اسکاتلندیها و بردگان سیاه قاره جدید را با خشونت پامیل کند، آهلی نداشت. این مطالب جزو حقوق بشر (نمودار) زیرا بورژوازی آنکلسا کونین غیر از خود کسی را بشر حساب نمی کند.

بورژوازی آنکلسا کونین نقاط مهم استراتژیک عالم مانند تنگه های جبل الطارق، سنکا پور، پاناما، سوئز، هرمز، باب المندب و جزایر پالت و قبرس، هائیتی، فیلیپین و کوبا و برمودا و غیره را، که برای کنترل کشتیرانی جهانی اهمیت داشتند، به قبضه در آورد و رقیب استعمارطلب دیگر خود را، در هر جا که با آنها روبرو شده، مانند فرانسیها، هلندیها، آلمانیها، اسپانیولیها، ترکان عثمانی، پرتغالیها، ایتالیائیها را با خشونت از سرشده رقیب راند و یا با آنها در غارت شریک شد و در افریقا و آسیا و آمریکای لاتین و استرالیا، مستعمرات وسیع و کشورهای تحت الحمایه یا تحت نفوذ برای خود ترتیب داد و زبان خود را در نقاط مختلف مانند هندوستان، کشورهای عربی و ژاپن رایج ساخت و آنرا به نوعی زبان جهانی بدل کرد.

امپریالیسم آنکلسا و امپریالیسم آمریکا به دو قطب اساسی جهان سرمایه داری بدل شدند که در آغاز امپریالیسم آنکلسا و سپس امپریالیسم آمریکا مرکزیت عمده یافتند.

در آمریکا قدرت پول (پولوتوکراسی)، چنانکه لیکن پیش بینی کرده با تمام منطقه و هیمنه ایلینیسیش برقرار گردید. در جنگ و در صلح، آمریکا (که دو اقیانوس از دوسو حفطت می کرد) تاجر برنده بود. دراز جاذبه پولی افراد با انرژی و مغزهای پل استدادم در آمریکا جمع شدند و سرزمین از لحاظ جغرافیائی مساعد ایالات متحده، به مرکز عالتین تکنیک و تکنولوژی وسیع تمدن فنی و مادی بدل گردید. آمریکائیها سرزمین خود را «برکت یافته از جانب سیب» اعلام داشتند و آنرا «منطقه جهان آزاده» خواندند و منتهای دیگر را خوار و فقیر و سست گرا و عقب مانده شمرند.

بورژوازی آنکلسا کونین دیپلماسی دخیخ و شنگل یا «بشت آهنین» در مستکش مملک را با مهارت پکار برد. سازمانهای دایپلیماتیک سرویس انگلستان و فرانسی آمریکا و سازمانهای دیگری مانند «فرا ماسون»، «دوآر»، «صلح اخلاق»، «لایس»، «دوسپ»، «دکوپوس صلح» و غیره، شبکه امرینی خود را در همه جا گستراندند و بورژواکها کادری دور و منتقل خود فروش بومی شدند. بورژوازی آنکلسا کونین منابع عظیم پنبه، کاتوچوک، چای، قسوه، کاکتو، توتون، نفت، طلا، گاز، الماس، اورانیوم، آهن، نقال، نقره، سفات، ولفرام، مولیدن، سس، سرپ، سوراوید و غیره را به صرف درآوردند و با این گنج با آرد، سطح عالی زندگی را برای خود ترتیب دادند و از جهان غارت شده چیزی هم با فیس و

افزاده طلبکار شدند. جهان غارت شده، که تکب و تیره روزیش ثمر سیاست استعماری و نواستماری عمود زاده های بورژوازی آنکلسا کونین است، فرعون عجیب این مظاهر انحصاری تمدن را هم باید تحمل کند! فقر موجب جهل و عقب ماندگی است و این مجموعه انسان را برای از خود بیگانه شدن و به بردگی خودش تن در دادن و حتی ستمگر خود را ستودن آماده می سازد. انحصار بازرگانی جهانی و تولید جهانی بطور عمده در دست بورژوازی آنکلسا کونین، دو نتیجه شوم داشت: نخست آنکه این بورژوازی توانست، چنانکه مارکس تصریح میکند، حتی انقلابات بیروزمند را به برکت این انحصار اقتصادی، ولو بتدریج سرکوب و سبغ کند و طبقات ارتجاعی متحد خود را در کشورها سر و نگاه دارد.

ثوم آنکه این بورژوازی توانست با دادن سبمی از غارت عظیم جهانی به طبقات مولد خود، باز چنانکه مارکس تصریح می کند، از روحیه انقلابی کارگران کشورهای خود بکاهد و علیرغم وجود خجالاتی استعمار و دیگر معایب سرمایه داری، کشورهای خود را به نوعی جزیره ثبات بدل سازد، تا امروز این بورژوازی در این کار توفیق نسبی دارد و به برکت همین ثبات نسبی درونی می تواند سیاست ماروا را ارتجاعی خود را اعمال کند.

ولی دوران اوج و رونق امپریالیسم آنکلسا کونین پس رسید. دوران اوج و رونق امپریالیسم آمریکا نیز در حال پسر سیدن است و یکی از مهم ترین علامات آن سردرد عیبی است که سیاست خارجی آمریکا بدان دچار شده است.

مثلا جیمی کارتر، رئیس جمهور ایالات متحده، صرف نظر از مواهید متصل و منتهی که در ایام کارزار ریاست جمهوری خود داد، ولی به ضد آن عمل کرد. وی در ۱۳ ماهه سال گذشته (۱۹۷۹) سرخا در سخنانی رسمی خود گفت: «اگر آمریکا پس از آنکه قرارداد سات ۴ را امضا کرده، در تصویب این لایحه تردیدی روا دارد، در نظر مردم جهان نقش افروخته آتش جنگ جهانی را ایفا کرده است. در آنوقت آمریکا دولتی است که در اجرای تلاش مشترک برای جلوگیری از فتنه خیزترین اسلحه ای که بشریت نظیرش را هرگز ندیده است، تردید میکند.»

ولی آمریکا تا امروز هم قرارداد سات ۲ را تصویب نکرده و خریدی هم از این مطلب در میان نیست. بطوریکه ساریوس ونس، وزیر خارجه استمفی ایالات متحده، مجبور شد آنرا در این اواخر یادآوری کند. لذا آیا حق داریم که آمریکا را، حتی به اتکاء سخن کارتر و ونس، جنگ افروز بخوانیم؟ آیا حق داریم که نعل وارونه زندهای کارتر را درباره خطری که صلح جهانی را تهدید می کند، یکنوع فریب دادن بیشرمانه افکار عمومی، بویژه افکار عمومی تأثیر پذیر ایالات متحده بشماریم؟

همین آدی کارتر در ۸ ژانویه ۱۹۸۰ در کنگره آمریکا گفت: «اتزار یک گروه کماندو و یا ستم زدن به یک عمل نظامی به قصد آزاد کردن گروگانهای آمریکائی در تهران تقریباً به شکل ننگزیر به شکست و با اطمینان به مرگ گروگانها منجر خواهد شد.» و مطلب درست و دقیق بیان شده است.

ولی با نهایت خیرت، بیبینی که همین شخص درست بیبین عمل صمت زدا و بنا به توصیه رایزن شیطان مستش زینیکو برزینسکی، گروه موسوم به دولته را، که بخشی از لشکر عملیات ویژه است و تحت فرماندهی چارلی کپویت، که در گروه «کلاه سبزها» در وقتام جنایت فسادان کرده، وارد ماجرای نقشه نور آبی می سازد، که در طیس با آن شکست بی نهایت رسوا روبرو میشود و هنوز هم از تقلا برای یافتن شیوه های تازه تجاوزات نظامی علیه ایران فارغ نیست.

فرا موش تکبیم که در آن نوع عملیات تشویق می کند همسر عمو ادوارد هیت، نخست وزیر اسبق محافظه کار بریتانیا است! این روزها در «کاخ سفید» جلسات طولانی و سری بر سر عملیات تازه نظامی علیه ایران دائر است.

چنین است رابطه کردار و گفتار در نزد سردمداران امپریالیسم آمریکا... گروهی ما با افرادی که سالم میمانند، روبرو نیستیم و با یحانین سرو کار داریم. ولی البته ما با دیوانگان سر و کار داریم، بلکه با امپریالیستهای هار و متفرعن و قدرت طلب سروکار داریم.

مطلب در اینجاست که بویژه درام های اخیر در سیاست امپریالیسم آمریکا چرخشی روی داده است. سابقه آن چرخش ها، بر خلاف دعوی کارتر، بیش از واقعیت ایران و افغانستان است و این جریان حد اقل از تعلق طولانی آقای برزینسکی در ۱۹۷۷ در باشگاه «بیلدربرگ» (نام هتل

شرافی در شهر هلندی «دوستریک» که مرکز جمع بزرگترین سرمایه داران آمریکا و اروپا و ژاپن است) منشاء می گیرد. ماهیت این چرخش در آنست که آمریکا قصد دارد دست به عظیمترین تدارکات جنگی بپیماید، متحدین خودبزند، والا گویا خطر مهمی موجودیت جهان آزاده را تهدید میکند؛ این خطر ظاهرا کمونیس و اتحاد شوروی است، ولی در واقع خطر ایدای نولوی خود ساخته نیست، بلکه خطر در درجه اول رخامت شدید وضع اقتصادی آمریکا و وضع دلار است، که کارشناسان سرمایه داری فکر می کنند تنها تجدید جنگ سرد، تجدید سیاست کژدایی دالسی و بازگشت به سابقه تصفیه قاتالی می تواند دلار را از فلاکت نجات دهد و از سقوط سریع اقتصادی آمریکا جلوگیری کند و رهبری آن را در جهان سرمایه داری محفوظ دارد و برتری استراتژیک را بوی بازگرداند تا به اتکاء آن بتواند راحت زور بگوید و غارت کند.

برای اینکه در این زمینه نیز سخن ما دعوی بنظر نرسد، عین مطالب مجله آمریکایی «تایم» (آوریل ۱۹۸۰) را نقل می کنیم. تایم با صراحت می نویسد: «هر روز سیل بی رحم اخبار ناطحیوع افکار عمومی را در این فکر راسخ می می سازد که اقتصاد به بحران عمیق و چاره ناپذیری دچار شده است. تورم نابآلود که در سابق بطور عمده مخصوص دوران جنگ بود و یک بیماری نادر محسوب میشد اکنون دیگر مزمن شده است. گرانی که زمانی آنرا به بی عرضگی و سوء اداره برخی جمهوریهای صادرکننده موژ در آمریکای لاتین مربوط می ساختند، حالا دیگر در آمریکای شمالی و اروپای غربی در دستور روز است. از هر سو این سؤال در دلدک

فیلیپین و کره جنوبی استرالیا و کروئلند متشکر کرده است. تنها در منطقه ما لائوس هند و خلیج فارس و دریای عمان، آمریکا پایگاههای در دیسه کواگاریا (جزیره مرجانی) ترکیه، کنیا، سومالی، مصر، عربستان سعودی، پاکستان و دریای عمان دائر کرده است.

مطرح میگردد: آیا سرمایه داری هنوز درست کار می کند؟ آیا این نظام می تواند بر مشکلات خود فائق شود؟ آیا میتواند بقاء خود را تا مین کند؟ آیا می تواند اصلاح شود یا دیگر بر آن ضریت مرگباری وارد شده است؟

این سئوال را مجله تایم مطرح می کند! در همین مقاله، «تایم» سخنان رئیس دانشگاه «نوتردام» موسوم به «پتودوز» هسبورگ را نقل میکند که گفت: «خطر واقعی سرمایه داری در توزیع بد ثروت در سطح جهانی است. ما نمی توانیم در جهانی که در آن نیست درصد اهالی هشتاد درصد ثروت جهان را در اختیار دارند، ولی هشتاد درصد دیگر اهالی فقط بیست درصد ثروت جهان را، در صلح زندگی کنیم»

مطلب خوب و روشن گفته شده است. ولی آخر این حرفها را مارکس ۱۵۰ سال پیش گفت، که شما تازه کشف می فرمایید و گفتان در آن با گستاخی تمام سفسطه می کنید!

کارتر می خواهد این سرمایه داری و این جهان را نجات دهد و چهار خود را دریغی فزانی بین المللی و تسلیحاتی با هم بیشتر و کب برتری استراتژیک می بیند. اگر چنین هست، در اینجاست! چون طبقاتی که حکومت به زوالند و نمی فهمند و به آنچه که دیگر احقانه شده است، انا می دهند و نمی توانند ادامه دهند.

اکنون آمریکا صدها هزار ارتش خود را در تمام کشورهای اروپای غربی، ژاپن و



بادشمن اصلی مردم ایران (امپریالیسم آمریکا) بیشتر آشنا شویم

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

از کاروندگی کارگران فصلی در شیراز

مسائل کارگری

کارگران و مساله ای بنام اضافه کاری

پس از آنکه در شهری آملی می توانیم و باید حداقل نیازهای زحمتکشان را تأمین کنیم

پس از آنکه اضافه کاری کارگران و نهارهای سوم آنهاست

پس از آنکه اضافه کاری باید تصمیم گیری کارگران و نمایندگان کارگران در مورد اضافه کاری و سایر مسائل مربوط به حقوق و دستمزد آنها



«دستی ندارم، ولی از موسسه که پادمی آید، کار کرده ام»



از دولتی سردمدن بزرگ شاهانه، در چادرها و کپرها زندگی میکنند...

برای سکونت اجاره کنیم. همراه با پنج پوله اینجا (با دست اشاره به چادرش می کند). چادر زده ام. خودتان هم می بینید که مادری اینجا هیچ وسیله زندگی نداریم. آب که اصلا نداریم. گاهی اوقات یک تاگر آب می آورند و ما آنرا در این بشکه ها می ریزیم و چند روزی با آن سر می کنیم. برق و دیگرمی و وسایل هم همین تریب است. وی سپس از کارش می گوید:

در جنوب شیراز - درحاشیه شهر به کپرها و چادرهایی برخورد می کنیم که پلور پراکنده در نقاط متعددی، در گوشه یک دیوار یا یک زمین خاکی و یا در نزدیک کارخانه ای قرار گرفته اند و تعدادی از زحمتکشان و محرومان جامعه را در خود جای داده اند.

از گرانمایان می بینیم که در این کارخانه سیمان، حدود پانزده چادر در میان خاک و زباله ها قرار دارد، که بیش از ۵۰ نفر از زحمتکشان را در خود جای داده است. ساکنان این چادرها و کپرها از اهالی روستای اطراف بزازجان هستند و در فصل های بهار و تابستان همراه خانواده های خود برای کار به شیراز می آید. در حال حاضر تعداد چادرها حدود ۱۵ تاست، ولی بتدریج تعداد دیگری از خانواده ها از روستا به این منطقه روی خواهند آورد.

تعدادی از ساکنان این چادرها در همان محل پروی زمینی کار می کردند که قرار است در آنجا سردخانه تأسیس شود.

یکی از کارگران میانسالی، که عرق از سر و رویش می ریزد، خودش را رمضان معرفی می کند و می گوید: «من ۴ سال است که کارگری می کنم. شغل لابی ندارم. ولی بیشتر در همین نوع کار هستی ساختمانی هستم. در این سه سال حتی نتوانسته ام اطاقی کوچک،

در ادامه حرفش می گوید: «نار را خودمان، اینجا می پریم. می پریم آرد را از شهر بیایم و گران بخریم. خلاصه، برای ما فقر، همه چیز گران است.»

در ادامه حرفش می گوید: «برای لاری و یکساری نتوانستم پسر بزرگم را به مدرسه بفرستم، و حالا برای کمک بخرم زندگی، با این اینجا کار می کنند. پسر باغ یکی دیگر از کارگران، که چهره اش نشانگر تحمل سالها رنج و محرومیت است، می ریزد. وی خود را الله داد معرفی می کند و می گوید:

«هیچکس به مشکلات ما رسیدگی نمی کند. مسئولین کارها اصلا سراغی از ما نمی گیرند. فقط یک دهه آمدند و از چادرها آمار گرفتند. اسم چند نفر را نوشتند که با خاله بلدند. مدت است که رفاه اند و از آنها خبری نیست. من با این سن و سال، باید از وضع نقاب گلنگ بزنم، تا یک تکه نان بپوشم»

وی در ادامه حرفش می گوید: «من با این مزد چگونگی می توانم گوشت و روغن بخرم؟ گوشت از آن قدری که برای زمین سردخانه کار می کنند، چند نفرشان کارگر جوان هستند. با یکی از آنها به گفتگوم می نشینم. می گوید: «ما زمستانها درده کار می کنیم و در بهار و تابستان، برای کار به شهر می آیم. من ۴۰ سال دارم و از موسسه پادمی می آید کار می کنم. حالام چند روزی است که اینجا مشغولم، و روزی ۸۰ تومن مزد می گیرم.»

وی در ادامه حرفش می گوید: «بسیاری از اهالی روستا، چند روز دیگر به همراه خانواده های خود برای کار در شهر به اینجا خواهند آمد و تعداد کپرها چند برابر خواهد شد. ولی وضع همان خواهد بود که الان است، نه آب است، نه برق و نه هیچ وسیله دیگری»

برگی از تاریخ مبارزه کارگران ایران علیه رژیم شاه مخلوع

نوزده سال پیش، در خردادماه سال ۱۳۴۰، چهار کارخانه نساجی اصفهان به عنوان مبارزه برای کسب حقوق پایمال شده خود دست به اعتصاب زدند.

در آن زمان، تظاهرات اردیبهشت ماه مردم و موج بزرگ اعتراض علیه تدابیر سرکوبگرانه حکومت شاه مخلوع، کارگران اصفهان را مجبور کرده بود که مجلسین شور او را متحمل کنند و شیوه های نو زده سال پیش، در دست زد تا کارگران را بفروشد و از مبارزه منصرف کند. ولی همه تیرها بستند و کارگران ایران با نمایش هایی از قبیل فروش چند سهم کارخانه به آنان با اصلاحات نیم بند و سطحی رژیم، دست از مبارزه نکشیدند و سرانجام با اعتصاب یکپارچه و سراسری خویش در سال ۵۷ طومار طاقتور را برای همه مردم نوریدند.

پدیده ای است در شرایط پهلوی به تدابیر گوناگونی دست زد تا کارگران را بفروشد و از مبارزه منصرف کند. ولی همه تیرها بستند و کارگران ایران با نمایش هایی از قبیل فروش چند سهم کارخانه به آنان با اصلاحات نیم بند و سطحی رژیم، دست از مبارزه نکشیدند و سرانجام با اعتصاب یکپارچه و سراسری خویش در سال ۵۷ طومار طاقتور را برای همه مردم نوریدند.

پدیده ای است در شرایط کنونی که فارتگران برای اعصاب سلطه خویش به خرابکاری ها و توطئه های همه جانبه ای بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران دست زده اند و پنجاه ها میلیون خسارت در صددند تا بارها انداختن اعتصاب در نهادهای تولیدی، نظام اقتصادی را از ریشه بکنند و سرانجام با متزلزل سازند، کارگران ایران وظیفه خود می دانند که ضمن یکپارگی سازش، ناپدید برای دست یابند به حقوق اولیه و دست یابی است در شرایط

آنان، بی زبانی تعیین می شود که به چه گروهی از کارگران فروخته آنان نمی گشاید، کارگران جزین دادن به ساعات اضافی کار، حتی بقیه از دست دادن سلامت خویش و فرو بردن زندگی خانوادگی در گراب بحران، چه می توانند کرد؟

وقتی گران می آید می کند و کمیابی و احتکار منحنی قیمت ها را بطرز سرسام آوری بالا ببرد، بطوری که دستمزد قانونی روزانه بی حمت بهای یک وعده غذای ساده، یا تن پوشی حقیر براندام کودکان، یا اندکی میوه است، آنگاه چه می توان کرد؟

در این شرایط است که بدون تضمین های لازم، قطع اضافه کاری و یا هر تصمیم دیگر، جز تشدید پریشانی های کنونی و در نهایت نقض غرض، چیز دیگری نخواهد بود. می توان هر تصمیمی گرفت و بهر تقدیر آنرا بنوعی به مرحله اجرا در آورده، ولی برای یک نظام خلقی، شایسته آن است که برای یک هدف مردمی، شیوه ای موثر و مطلوب اتخاذ شود و با همه نیرو، پیگیری و قطع آن را دنبال کند.

نمونه هایی داریم از سیلوی تهران، کارکنان سیلو، تمام ساعات شبانه روز، در محیط پر گر دو خاک، با دستمزد کم و هزینه سنگین زندگی و کار می کنند. آنها ناچارند در سه نوبت ۸ ساعت، تمام روزهای هفته از جمله روزهای تعطیل

این روزها، قطع اضافه کاری که از سوی مراجع مسئول به واحدهای تولیدی ابلاغ شده است، مسائلی را در میان کارگران مطرح کرده است.

کارگران شافل در نهادهای گوناگون، سالها تا آخرین رمقی که در تن خویش سراغ داشتند و در مواردی روزانه بیش از ۱۶ ساعت، کار می کردند، تا مگر گوشه ای از نیازهای دما افزون خویش را بگونه ای مرتفع کنند. نظامی که تا روزی در جاسوسخانه های امپریالیسم جهانی یافته شده بود، سهم کارگران و زحمتکشان را نیز از قلم نیانداخته بود. آنان میبایستی تا او پسین نفس چرخ سرمایه را بر حرکت در آورند، چه باک اگر یک عمر گرسنه باشند و از همه مواهب زندگی، جز رنج و محرومان بهره ای نبرند! سهم این بود که رژیم وابسته به امپریالیسم نفت را بیداد و اسلحه را تحویل می گرفت این فقط چیزی ناچیز از جریان غارتی بود که شیرازه اصلی امور کشور را تشکیل می داد.

آن زمان مسئله اصلی برای کارگران و زحمتکشان زنده ماندن بود و حفظ کانون خانوادگی، هر چند که گرمای آنرا از قلب فرزان خویش تأمین می کردند. دشوارترین کار نیز همین بود. ولی کارگران علیرغم شرایط ترور و خفقان، برای دفاع از حقوق خویش از پای ننشستند.

با اوج گیری مبارزات کارگری، سرانجام طاقتورین ناچار ضوابطی را در ارتباط با کار کارگران و نحوه اداره واحدهای تولیدی و... پذیرفتند، بیشتر از این جهت که راه دیگری نبود و ادامه مناسبات پیشین غیر ممکن شده بود. این ظاهر امر بود، ولی غارتگران خون آشام، خود قانون وضع می کردند و خود اجرا می کردند، خود می پریدند و خود می دوختند اصل این بود که تغییر طواغر ترکیب واقعی اوضاع را در گونگون نکنند.

چنین شد که علیرغم همه آنچه که در بوق و کرناهی تبلیغاتی رژیم گذشته فریاد می شد، وضع زندگی زحمتکشان مردم روبه وخامت گذاشت و شیاری بر چهره جامعه ما عیان شد.

دست اندر کاران خود میبایستند که دهان های گرسنه را با دست ساعات کار سیر نمی توان کرد، که با وجود تمام چهره آرایشی رژیم و قانون ترافیکی، صحتی بدنهان نمی رسد. این بود که ناگزیر قانون اضافه کاری و ضوابط آنرا نیز منون کردند ساختهای شماری کار، که در گذشته دور مطلق بود، برای گروهی از کارگران بدو بخش تقسیم و سرانجام تثبیت شد: ۸ ساعت کار قانونی و چند ساعت اضافه کار (باز هم قانونی) برای تأمین حداقل معیشت. و در پایان بازم «هفت» همه گرو «نه» شان بود!

زمان گذشت انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران طومار سلطه و حیات غارتگران را دردم بیچید. انقلاب میبایست برای اکثریت محروم و دردم هم دستهای از زمین آفرین کارگران، دوران تازه ای به همراه آورد، آنان را در کشف حمایت خویش گیرد و راه را بر اعاده مناسبات دیرین سد کند. برای این منظور، انقلاب جز تضمین واقعی رفاه زحمتکشان و تثبیت و تحکیم آن در قوانین موضوعه البته راه دیگری سراغ ندارد.

متأسفانه چاره جویی ها و تصمیم گیری های کنونی از این ضرورت گریز ناپذیر هنوز فاصله زیادی دارد. ویدیسی است بدون تشخیص درست درده، همه تلاش ها برای درمان بر سر راه افتاده است. و در این رابطه خاص، بدون شناخت علل روی آوردن کارگران بساعات کارمندی و تن دادن به فرسایش تدریجی همه توشه توان خویش، نمی توان مدعی حل این مسئله بود.

واقعیت این است که در شرایط پرفریج و حواس کنونی و بی وزنه در لحظه مقابله همه جانبه با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از آرزوهای بلند پرواز نمی تواند سخن می بیند آید، بی آنکه شایبه غرضی در کار باشد. حرف بر سر تأمین حداقل نیازهای زحمتکشان است که جامعه در شرایط کنونی می تواند و باید بر آورده سازد، ما علی الاصول بر آنیم که با در نظر گرفتن مجموعه دستهای کار و میانگین ظرفیت های تولیدی، کارگران ایران باید از تقویت ساعات کار در هفته برخوردار شوند و در برابر کارمندی دستمزد مساوی داشته باشند، دستمزدی که بهر حال باید خانواده آنان را در تنگنای و عسرت قرار دهد و آتش روزگار و شوق تولید آنان بکاهد.

پدیده ای است با این نظر، مانمی توانیم در کل با مسئله اضافه کاری موافقت داشته باشیم، هر چند که در برخورد مشخص می توان در این لحظه، در این بخش یا آن بخش تولید، توزیع یا عرضه خدمات، این ضابطه را در رابطه ای پذیرفت.

اما وقتی حداقل دستمزد کارگران بدون در نظر گرفتن شرایط کاروندگی کارگران و بدون نظر خواهی از خود

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

هشدار!

فصل برداشت محصول نزدیک است. ضد انقلاب برای تضعیف انقلاب و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران از هیچ کوششی فروگذار نمی کند.

خطر سوزاندن خرمنها توسط عناصر خود فروخته ضدانقلاب وجود دارد.

خطر فاسد شدن محصول بعلمت نداشتن وسیله درو و جمع آوری وجود دارد.

خطر بهدرد رفتن محصول در نتیجه نخردن آن به قیمت عادلانه وجود دارد.

خطر تحریک و نفاق افکنی و دعوا راه انداختن که محصول را بیاد میدهد، وجود دارد.

- باید نیروهای انتظامی و نهادهای انقلابی را برای مراقبت از خرمنها بسیج کرد.
- تا وقت باقی است، باید ماشین درو و لوبوازم مورد نیاز برداشت را تهیه کرد و به قیمت نازل و انبهارها را آماده و ضد عفونی کرد.
- باید قیمت عادلانه خرید محصول دهقانان را از جانب موسسات دولتی تضمین کرد.

موفقیت هر چه بیشتر در برداشت محصول، بسود خود دهقانان و بسود مصرف کنندگان شهری است، تحکیم کننده اقتصاد کشاورزی و موفقیتی است برای انقلاب ما.

دهقانان

از خرمنها محافظت کنید، جلوی خرابکاران و افراد مشکوک را بگیرید، با پرهیز از نفاق، با هشیاری، متحدان از محصول، که دسترنج شماست، دفاع کنید.

محصول مال شماست، کشور ما بآن احتیاج حیاتی دارد. آنرا حفظ کنید.

اخبار دهقانی

به خواستهای زحمتکشان شهر کر د باید سریعاً توجه کرد

کشاورزان شهر کر، یکشنبه صبح ۵۹/۳/۴، پس از راه پیمایی جلوی استانداری این شهر تجمع کردند و از مقامات مسئول و نهادهای انقلاب خواستند تا به تقاضاهای آنها رسیدگی شود.

کشاورزان می گویند که مقامات مسئول به قولهایی که تا کنون در جهت رفاه آنها داده اند، عمل نکرده اند. ضمناً بعضی از وامهایی را که قبلاً در نظر گرفته شده بود، قطع کرده اند. کشاورزان اعلام داشته اند که برای دریافت جواب مساعد از طرف مقامات مسئول روز چهارشنبه ۵۹/۳/۷ مجدداً تجمع خواهند کرد.

ما به مقامات مسئول و نهادهای انقلابی هشدار می دهیم که برای حفظ دستاوردهای انقلاب باید در جهت حل مشکلات و گرفتاریهای مردم اقدام همه جانبه بعمل آرد. نباید گذاشت حق دهقانان زحمتکش پایمال شود، ناراضی ایجاد گردد و بهانه بدست ضد انقلاب و آشوب طلبان بیفتد. خواستهای بحق را باید با درک اهمیت و فوریت آنها بر آورده ساخت.

به وضع آب آشامیدنی خور موج رسیدگی کنید

شهرستان خور و جیحون از توابع استان بوشهر است. در رژیم طاقتور جهت تأمین آب آشامیدنی پایگاه های نظامی بوشهر چند حلقه چاه آبشیرین در محله «شیرینه»، واقع در شرق شهرستان خور و جیحون حفر شد. این چاهها دارای آب فوق العاده خوب شیرین اند، که به بوشهر منتقل می شود. در همین حال آب آشامیدنی اهالی خور و جیحون از چاههایی تأمین می شد که آب آنها تلخ و دارای کج فراوان است. بعد از انقلاب، اهالی با شکایات و مراجعات مکرر خود به مسئولین، خواستار رفع مشکل آب آشامیدنی خود شدند. مسردم می گویند:

در حالی که آب شیرین و مناسب به بوشهر می رود، چرا آب آشامیدنی ما میانی تلخ و پراز گچ باشد؟

اهالی شهرستان خور و جیحون خواستار تأمین آب مصرفی خود از چاههای آب شیرینه، که هم اکنون به بوشهر منتقل می شود، هستند.

باید به خواستهای بحق مردم پاسخ داد. بی توجهی به این خواستها تنها کمک به تشنج و تشدید ناراضی توده ها است، که تنها بسود ضد انقلاب تمام خواهد شد.

دو تصمیم درست درباره تقاضاهای کشاورزان «دستنا» که باید اجرا شوند

کرومی از روستایان زمین قریه دستنا (شهرکرد) پس مراجعه به مقامات مسئول خواستار تقسیم اراضی این منطقه بین روستایان و جلوگیری از ایجاد ساختمان در این اراضی شدند.

تعدادی از روستایان قریه دستنا، در سال ۵۸ از مقامات مسئول تقاضای زمین کردند. رسیدگی به کار این روستایان تا مدتها از طرف مقامات مسئول به تعویق افتاد، تا سرانجام پس پیگیریهای مردم و مراجعه به مقامات استناداری، اداره کشاورزی، شورای ده و شورای هیئتی، جوابهای از طرف اداره کشاورزی به شورای هیئتی نوشته شد. در این نامه وزارت کشاورزی اسناد مالکیت زمینهایی را که در اصلاحات ارضی گذشته به مالکین واگذار شده بود، به اداری داد. در مورد اراضی باغی نیز نوشته است که با نظر شورای هیئتی محل، لیست افرادی زمین تهیه و اراضی مشخص شده، به آنها واگذار خواهد شد.

همچنین وزارت کشاورزی از مقامات انتظامی خواسته است تا از ایجاد ساختمان در این اراضی جلوگیری کنند.

وزیر، مقامات مسئول است که برای حفظ دستاوردهای انقلاب و در جهت حفظ منافع زحمتکشان این گفتهها را هر چه زودتر بعمل تبدیل کنند. دادن زمین به دهقانان این زمین و جلوگیری از تبدیل زمین زراعی به زمین زیر ساختمان، دو تصمیم اصولی و درست است که هر چه زودتر اجرا شود، بهتر خواهد بود.



محصول کاریکساله کم کم به نمر می نشیند. محصول، مال زارعی است که کار کرده، ثروت کشوری است که با امپریالیسم در فریب داده است. از محصول باید محافظت کرد (دمشخ، حوالی شیراز)

از منزلت انسانی در اینجا چه مانده است؟

گذری به روستا

لمی کنند، آخر از کجا یاوریم که گوشت کیلویی ۵۰۰۰ تومان بخیریم و یا برنج و روغن نباتی با این قیمتهای گران. علی گرم یکی دیگر از ساکنین مراد آباد، که پیرمردی است حدود ۵۰ ساله، آثار رنج و فقر شدید اقتصادی و محرومیتهای اجتماعی در چهره اش دیده میشود. کرم علی لب به سخن می کشد: «آقا مگر این دولت اسلامی نیست؟ مگر آقای خمینی نمی گویند که مافوقادار مستضعفان هستیم؟ پس چرا به وضع ما رسیدگی نمی کنند؟»

انبوه گردو خاکی که از جاده بر می خیزد، سلامت روستایان را در خطر انواع بیماریهای سری از جمله بیماریهای ویروسی مانند سل قرار داده است. حدود ۱۰ سال پیش، به همت مردم قریه، قریب به ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان پول جمع آوری شد و به بخشداری ندر-آباد تسلیم گردید و قرار بود که اقدام به ساختن حمام در روستا کنند، اما تا به حال نه حمام دیده شده و نه آثاری از پولهای روستایان.

در ده مرادآباد حدود ۸۰ خانوار با جمعیتی قریب به دو هزار نفر در تل-هایی از خاکستر و سنگ بامس دخانه زندگی می کنند. هر رهگذری می بیند که در این ده زمینهای هموار و زیادی برای تولید کشاورزی از جمله گندم و جو و سدابوبون، بعلمت کمبود آب کافی چندان مورد استفاده قرار نمی گیرد. در این ده فقط از دو باب اتاق گاوگلی بعنوان «دوستان» استفاده میشود، که آنهم بعلمت خرابی، هر آن امکان ریزش سقف اتاقها هست و تجمع دانهای آموزان قریه برای آموزش در زیر این سقفها عملی نیست بدور از شان انسانی و هموار خطرناک. این دو اتاق نیمه مخروبه بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر دانش آموز روستایی را در خود جای میدهد.

حالیهای در دل چند نفر از این انسانهای شریف می نشینیم و به خواستههای آنها از انقلاب ایران گوش می دهیم: پیرمردی که خود را شوقفلی معرفی می کند، چنین می گوید: «والا بخدا ما همه مسلمان هستیم، پیرو دین و آئین فرستاده خدا و پیغمبر می باشیم. رهبر انقلاب آقای خمینی را قبول داریم. آخر ما که هیچ خوبی از آن پدرو سوخته ندیدیم، که الان برای تاراجت پاشیم. والله هیچ کاری برایمان نکرد، فقط آن موقع سارقان زیاد جرات داشتند که به خانه هایمان حمله کنند و یا اینکه چاهها را بپزند، اما حالا پای دزدها و سارقین به اینجا باز شده. خوب است دولت هر کسی را که با اسلحه اش سرقت می کند و یا چاهها را می بندند و اموال رانده ها و مسافران را می برد، دستگیر و خلع سلاح کند، تا هیچکس جرات نکند از اسلحه اش برای کارهای بسد استفاده کند. و اما مشکل دیگر به علی قسم توی این ده خانه های هستند که شش ماه میشود مژه گوشت را نپوشیده اند. حدود ۸ ماه هست که خیلی هایمان اصلاً روغن نباتی به چشم ندیده ایم. باید رختشویی هم که پیدا میشود، والا بخدا پیرمرد دیگری از گرفتاریهایش چنین می گوید: «آخر ما که درآمدی نداریم. تا حالا خوب بود، مرفه تران و با شهرهای دیگر و چند ماهی عملگی می کردیم و از پولش گنبدان زندگی می کردیم. اما حالا شرکتها و کارخانه ها هم که کار

آب مصرفی انسانی و دامها فقط از یک شیر آب تأمین میشود، که منبعمی است فاقد هر گونه اصول بهداشتی. تنها از همین منبع است که روستایان آب آشامیدنی خود را تأمین می کنند، لباسهایشان را می شویند و به مصرف دامها می رسانند، یا توجه به غیر بهداشتی بودن آب، سلامتی دهقانان، یعنی نیروهای انسانی فعال این ده بشدت در مخاطره است.

در این روستا مسجد برای برگزاری مراسم مذهبی وجود ندارد. روستایان مراسم موسیقی و عزاداری خود را در اتاقک غسلخانه ده برگزار می کنند. علاوه بر این کمبودها، اهالی مرادآباد از مشکلات دیگری نیز رنج می برند، از جمله نداشتن توانهای بهداشتی و وقتی با دهقانان این ده صحبت میکنیم، آنها میگویند که میتوان با زدن یک یا دو حلقه چاه عمیق یا نیم عمیق در بالای زمینهای این قریه و مشروب کردن این گدازشتن ماشین آلات کشاورزی در دست روستایان، درآمد حاصله از زمینهای مزروعی قریه را به سطح چندین و چند برابر ارتقاء داد. در مورد حل مشکل آخر میتوان با پرداخت وامهای کم بهره برای داد، تا در بهبود کشاورزی خویش و کاشت انواع سبزیجات و محصولات دیگر نظیر تنباکو اقدام کنند. دولت باید به مردم این قریه، که از زحمتکشترین و فقیرترین اقشار جامعه ما هستند (مانند سایر همدردان خویش در سایر نقاط کشور) با اقدامات انقلابی در جهت ایجاد

خانه های مسکونی اهالی مرادآباد درست در کنار چاه خرم آباد نورآباد بنا شده اند و در اغلب ساعات شبانه روز، بر اثر عبور و مرور وسایل نقلیه، خانه ها در انبوهی از گرد و خاک فرو می روند. هنگامی که از این روستا گذر می کنیم، می بینیم که در قسمت روبروی خانه های قریه، در حال حاضر چاه و وسایل نقلیه دایر است و در قسمت پشتخانه ها نیز مسئولین وزارت راه مدتی است نقشه ایجاد چاههای را کشیده اند، که با احداث آن چاه کنونی غیر قابل استفاده می گردد. اهالی مرادآباد، که از سالهای قبل از جنگ اقدام به ساختن این کوره ها کرده اند، سالهاست که در محاصره این دو چاه قرار گرفته اند. آنها نمیتوانند آنها را تخریب کنند و از نو بسازند، زیرا این امکان وجود دارد که مسئولین وزارت راه تصمیم به تخریب چاه بگیرند، و نه میتوانند در زمینهای پشت قریه به ساختن خانه اقدام کنند، زیرا این محل نیز شامل طرح جدید جاده شده است. تا بحال بارها اهالی قریه به مقامات مسئول در این مورد مراجعه کرده اند، لیکن مسئولین همیشه به آنها جواب سر بالا داده اند.

دهقانان حومه اهواز آماده دفاع مسلحانه در برابر یورش امپریالیسم هستند

از انقلاب و دستاوردهای آن در برابر یورش امپریالیسم آمریکا هستند. این راهپیمایی، که وسیعاً ضد امپریالیسمی و ضد فئودالی بوده است، بار دیگر نشان میدهد که دهقانان زحمتکش ما امپریالیسم آمریکا و زمینداران بزرگ را دشمن واقعی خود میدانند و با تمام نیرو آماده دفاع از انقلاب خود هستند.

با واگذاری زمین به دهقانان زحمتکش یکی از دستاوردهای انقلاب داور روستاهای کشور تثبیت کنید. به دهقانان زمین بدهید، آنها از زمین و سرزمین خود دفاع خواهند کرد.

در این قطعه نامه آمده است: «درست تجاوزگران به ایران را قطع خواهیم کرد. ما آمادگی خود را برای دفاع مسلحانه در برابر یورش امپریالیسم آمریکا اعلام میکنیم. شما تجاوز امپریالیسم آمریکا را محکوم می کنیم. شما اشغال سفارت ایران و عمل کروگانگری نمایندگان سیاسی ایران در انگلیس را محکوم می کنیم. این راهپیمایی بار دیگر نشان میدهد که زحمتکشان ما آماده هر گونه فداکاری و دفاع

در تاریخ ۵۹/۲/۱۶ عده کثیری از دهقانان حومه اهواز از مرکز القافی، آغاز به یک راهپیمایی باشکوه کردند. راهپیمایان با شعارهایی به زبان عربی و فارسی علیه امپریالیسم آمریکا و فئودالیتهای نفرت خود را از امپریالیسم جهانی و استعمارگران آن، یعنی زمینداران بزرگ اعلام کردند. هدف از این راهپیمایی حمایت دهقانان از قانون مصوبه واگذاری زمین به دهقانان تهیدست مصوب ۸ اسفندماه ۵۸ بود، که باشکوه تمام آغاز شد و با تجمع دهقانان در جلوی اداره کل کشاورزی استان خوزستان پایان رسید. دهقانان در پایان راهپیمایی قطعه نامه خود را اقامت کردند.

باتصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه ها، باین راه میروند

تکلیف به نظم
دوستان ۱۳۳

موزه جنایات امپریالیسم امریکا



دهیج چیز عزیز از استقلال و آزادی نیست هوشیون

این فیلم که توسط مستندسازان برجسته جمهوری دموکراتیک آلمان ساخته شده، بیانگر تاریخچه‌ای کوتاه ازبرد خلقی رزمنده علیه استعمار و استثمار جهانی و سپس مشخصاً تجاوز امپریالیسم آمریکا برویتنام است.

در آغاز فیلم، تعلیمات افسران و سربازان آمریکایی را در دهکده‌ای که بسبب ویتنام، در آمریکا ساخته شده، می‌بینیم. آنها تعلیمات می‌بینند که چگونه یکدیگر را بمشایه دشمن تلقی کنند و طریق شکنجه، خفه کردن در آب، سوزاندن توسط مواد آتشزا و انواع راه‌های آزار و ناپودی را عملاً بیاموزند و تمرین کنند. زمانیکه این دوره تعلیماتی پایان می‌پذیرد، فارغ‌التحصیلان بسوی جبهه‌ای، که هنوز نمی‌دانند در کدام نقطه از زمین قرار دارد، گسیل می‌شوند. برای چه؟ نمی‌دانند. گویا ویتنام جنوبی از آمریکا حامی آزادی جهان خواسته است که آنها را در برابر دشمنان کمونیست یاری رسانند تا از بسط کمونیسم جلوگیری کنند تا «مجبور نباشند بعدها در سرزمین خود آمریکا با این دشمن غدار بچنگند...

دولت‌های تجاوزگرنه، جانسون و لیکسون به آنها نمی‌گویند که ویتنام صلح‌طلب برای آزادی خود از یوغ استثمار چین و فرانسه است که سی سال تمام می‌چنگد و نه بخاطر تجاوز به آمریکا. باین سربازان و افسران نمی‌گویند که شمارا بخاطر منافع سرمایه‌داران بین‌المللی است که به آنسوی دنیا می‌فرستند تا بکشید و رکنه شوید، که این جنگی فرسایشی، نابرابر و احمقانه است.

مرحله تدارک و وسیع برای سفری نامعلوم بسوی سرزمینی ناشناخته سرعت انجام می‌شود و هواپیماهای غول‌آسا، حامل بمب‌های مرگ‌زنا و انسان‌نمایی دیوسفت، بر فراز ویتنام ظاهر می‌شوند. آنها در هر مأموریت، علاوه بر بمب‌های بمبار، فضا، بی‌فرهنگی، بیماری، گرسنگی و سایر عوارض را بر ویتنام فرو می‌ریزند. و اما این حامیان آگاه و نادان منافع سرمایه‌داران، در اولین ماه‌ها و حتی اولین روزهای مأموریت خود با حقیقتی دیگرگونه روبرو می‌شوند: مردمی خندان، سربازان، مودب، اکثر کشاورز و غیر مسلح، که چوپای جنگی و وسایل کشاورزی ابزار دفاعشان است، آنها را، که در حال بمباران شهرها توسط تیربارهای ضد هوایی ارتش ویتنام، سقوط کرده‌اند، دوره می‌کنند و بدون کوچکترین آزار و توهین برای مواجهه می‌روند. رفتار شکوهند این دخترکان زیبای

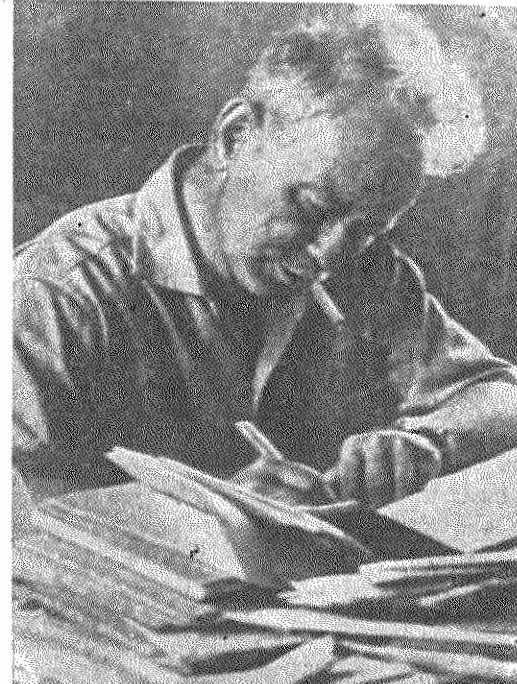
مبارز و بی‌بوسه خندان، سربازان و کودکان شجاع و اهالی محبور در مقابل دشمن بیرحم، بر دشمنان آمریکایی بی‌ثباتی نیست و آنها را بتداوت و امید دارد. آنها درمی‌یابند که این زندانیان و الا، طی اطلاعیه‌ای موظف می‌شوند که بازندان خود خسوت بخرج ندهند، بلکه باید آنها را تیمار کنند تا برای سحاکه در برابر افکار عمومی جهانیان آماده شوند، تا از زبان خود این سرگردهای نیروی هوایی آمریکا اعتراف بگیرند که آنها بیک سرزمین آزاد تجاوز کرده‌اند که کشاورزی آنها را نابود زان را فاسد و چروکان را متلاطم کرده‌اند، که هر یک از آنها لاق ۶۰ بار در مأموریت هوایی خود بمب بر سر زنان و مردان بی‌دفاع و بی‌گناه ریخته‌اند، که بین زن و کودک آنها با زنان و کودکان ویتنامی، که ناچارانده بمباران‌شان کرده‌اند، هیچگونه تفاوتی نیست و بالاخره اعتراف کنند که با اینکه خود را شدیداً متقدم مذهب و تعلیمات مسیح میدانند، حتی از میاناران کلیساها و مردم در حال های آنها نیز با نکرده‌اند. و اصولاً برای آنها هیچ تفاوتی نداشته است که کجا و چه چیز را هدف قرار می‌دهند - آیا هدف، گروهی بچه بوده‌اند که گوسفندان را بچرا می‌بردند یا مدارس، بیمارستانها، مزارع و مناطق صنعتی و نظامی. هدف آنها ایفای یک وظیفه و انجام یک کار مورد علاقه و فریاد ماجراجویی، و سپس تفریح بوده است. نوشیدن چند گلاس مشروب، بازی ورق، رقصیدن و رفتن به فاحشه‌خانه برای رفع خستگی و بالاخره باید اینکه پس از میان رساندن مأموریت، به آمریکا بازگردند و در کنار زن و فرزندانشان خود، در مزرعه سیب و بادام، بقیه عمر را براحتی و خالی از دغدغه جنگ بگذرانند. بدور از دغدغه دربار میلیون‌ها کودک و انسان کشته و زخمی و مشرف، که در سرزمینی دور بیادگار گذاشته و رفته‌اند، بدور از یاد برنجزارهای شکوفانی که به بسبب از تبدیل کرده‌اند و برنجکاران زیبای دیاری سبز را، که همچون یازدهای بدور افکنده‌اند و فارغ از همه‌پاشی شیشه توپ بیس‌بال، که نیسی از آنها منجر نشده و سالیان دراز در دسترس کودکان خواهد بود تا با زخم قربانی شوند، بقیه عمر را در دهکده و مزرعه خود در آمریکا به آسایش بسر ببرند... و حالا اسیری در سرینجه توانای مبارزین رشید و دلدار ویتنامی گرفتار. پایان خوابی خوش!

فیلم بکلمه موتاوی خوب و انتخاب تصاویری موهلی از شکنجه و قتل مبارزان ویتنامی دست‌مزد مژوران داخلی و متجاوزین آمریکایی، بمباران مزارع، سوزاندن کلیه‌ها و بریدن سر مبارزین، بیانگر ناپویری محتوم نظام زور و زر است.

گرچه فیلم بروزهای شکوفانی و سازندگی ویتنام نمی‌رسد و از دولت انقلابی کونی که برهبری حزب کمونیست ویتنام، بطل مشکلات کمر همت بسته و صلح و سوسیالیسم را بسداری میکند، سخنی بیان نمی‌آورد و از یاری اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، چه در کار کمک‌رسانی به جبهه جنگ و چه در امر بازسازی جامعه سوسیالیستی یاد نمی‌کند، اما در مجموع چهره امپریالیسم آمریکا را، بمشایه دشمن همه خلقهای رزمنده جهان بخوبی به تماشاگر مینمایاند. باشد که شاهد فیلمهای دیگری از این دست باشیم.

هنر

افتخاری دیگر برای شولوخوف



میخائیل شولوخوف، نویسنده بزرگ شوروی، دارنده جایزه نوبل و برنده جایزه نوبل، که در ایران بویژه پادو رمان عظیم حماسی‌اش «دن آرام» و «زمین نواباده» معروفیت دارد، این هفته هفتادویچ ساله شد. بدین مناسبت نشان لنین و دومین مدال طلای «داس و چکس» به وی اعطا شده است.

برودی از نیمه‌تنته برتری شولوخوف در شش زاده‌گاش برده‌برداری خواهد شد. عشق پرشور به انسانیت و زحمتکش، ایمان آتشین به آرمانهای بشری صلح و پیشرفت و برادری، درونمایه اصلی آثار بی‌شمار شولوخوف است.

نژاد پرستی گستاخانه

فیلم «یوفالوی سفید» به کارگردانی ج. تی. تامسون، تکرار الگوهای پوچ و مبتذل سینمای هالیوود است و همان هدفهای ضد انسانی و تقلید کننده را دنبال میکند.

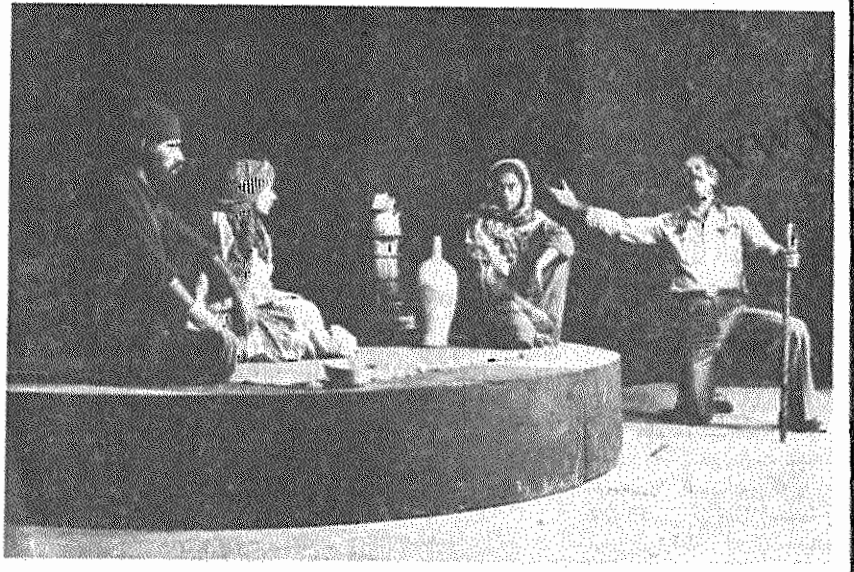
کابوی سفیدپوستی را کابوس یک یوفالوی سفید در خواب آزار میدهد. اوتام کار زندگی‌اش را رها میکند، تا با کشتن یوفالو، که موجود سیب و شریسی است، خود را از شر این کابوس خلاص کند.

از طرف دیگر سرخ پوستی که در اثر حمله یوفالوی سفید، فرزندش را از دست داده، بقصد بازبس گرفتن لقب «اسب دیوانه» و پیچیدن جسد بچه‌اش در پوست یوفالو، تصمیم به نابود کردن آن می‌گیرد.

این دو، در پی این هدف مشترک، به یکدیگر برخورد میکنند. صحنه برخورد این دو، صحنه روشن شدن هدف کارگردان است: سرخ پوست در محاصره عده‌ای از هم‌نژادان خود قرار دارد. آنها میخواهند او را، بخاطر اینکه به سرزمین آنها آمده است، بکشند.

کارگردان با گستاخی تمام سرخ‌پوست‌ها، این صاحبان اصلی آمریکایا، مردمی آدمکش مغرور و بی‌گناه ۲

نمایش تازه فراهانی در لاله‌زار



بهراد فراهانی، کارگردان و نویسنده‌ای که تاکنون چند نمایش مردمی را بر صحنه برده است، آخرین اثر خود را در تئاتر پارسی لاله‌زار به اجرا گذاشته است. نمایش آخر بهراد فراهانی، که نویسنده و کارگردان خود اوست، شبی درحلی آباد نام دارد. در این نمایش موفقی عقلمی، بهرام وطن‌پرست، محبوبه مقبلی، مرجان مقبلی، پرویز پوستولی، ابوالفضل شاه‌کرم، مجید نجف و اردشیر سهرابی بازی دارند. نمایش شبی درحلی آباد، که در آن به‌جامه ایران در رژیم منحل بهلوی پرداخته شده و تهمیستان و سرمایه‌داران، بعنوان دو قطب مقابل هم در آن بازسازی شده‌اند، هر شب ساعت ۷ در تئاتر پارسی روی صحنه می‌آید.

نقدی بر آثار گالری شماره ۲ موزه هنرهای معاصر تهران:

روستا و انقلاب

در گالری شماره ۲، موزه هنرهای معاصر تهران نمایشگاهی از آثار وارطالیان، مصطفی نجفی، سید حبیب محمدی، محمد جوانی‌پور، نیکزاد نجومی، مهدی روحانی، پرویز کلاتری، ترقی چاه، علی‌اصغر مصوم و... برپاست. آثاری که به دو مضمون کلی پیوند می‌خورند: کندرگارد سائل‌زندگی روستایی و جستجوی هنرمندانه در لحظات انقلاب.

محمودیت روستاییان دارد. مصطفی نجفی، با تکنیک ضعیف و رنگ‌های خام و متضاد روستاییان، غرضی عشاقی در فارسی، و چیران... را نقاشی کرده. گاوهای چاق و چله و مرغ و خروسهای پروار و درونمای سرسبز طبیعت دهکده، لباسهای رنگین و لپهای خندان روستاییانی که مشغول نان پختن هستند، شمایی گانز از روستای دوران طاغوت را بدست می‌دهد. عجز از پرداخت تپهایی روستایی، و ویژگی کار نجفی است. در بررسی تابلوهای نجفی گذشته از تحلیل اشتباه‌آمیز اجتماعی اواز جامعه روستایی، باید به عدم وجود تخیل هنری در آنها نیز توجه داشت.

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

پیام لئونید برژنف به مناسبت روز جهانی قاره آفریقا

دوامریالیسم و ژادپرستی حمایت میکند. در پایان این پیام خاطر نشان شده است. **«در شرایط کنونی همه خلقهای کوچک و بزرگ بایستی کوششهای مؤثرتری را برای خنثی کردن نقشه های دشمنان استقلال و آزادی خلقها، توطئه های جنگ افروزی امپریالیستها و نیات مداخله گرانه آنان در امور داخلی دیگر کشورها بکار برند.»**

لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی طی پیامی خطاب به مردم آفریقا، روز جهانی قاره آفریقا را به آنان اهمیت گفت. در این پیام آمده است: **«دولت و مردم آفریقا را به مردم آن تساهل تبریک میگویند و گامیهای بزرگتری را برای خلقها و جنبشهای رهایی»**

سازمان مرکزی اتحادیه های کارگری افغانستان و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری عرب در اعلامیه مشترکی اقدام های تجاوزکارانه امریکا علیه ایران را محکوم کردند. **«دردا این هیئت سازمان مرکزی اتحادیه های کارگری افغانستان انزوریه پایان یافت. این هیئت در دمشق با رهبران کنفدراسیون اتحادیه های کارگری عرب مذاکراتی پیرامون همکاریهای آینده انجام داد. در اعلامیه مشترکی که در پایان این دیدار منتشر شد، آمده است که پیروزی انقلاب افغانستان و تحکیم دستاوردهای انقلاب میتواند پیروزی همه نیروهای انقلابی و ترغیبخواه جهان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع تلقی شود.»**

نخستین کنگره آموزگاران افغانستان بکار خود در کابل ادامه می دهد

در این کنگره چهارصد نماینده شرکت دارند و در روز گشایش کنگره از خاطره آموزگاران که در دهات دور دست بسویله تروریست ها، که از پاکستان به افغانستان رفته می کنند، کشته شده اند، تجلیل شد. **«پیر کارمل رهبر جمهوری دمکراتیک افغانستان در سخنرانی خود در کنگره گفت که یکی از بزرگترین هدفهای انقلاب «دوره ارتقاء سطح فرهنگ است و میتوان گفت که انقلاب راهی بسوی دانش ها است.»**

در این اعلامیه اقدام های تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس و تهدید علیه ایران شدیداً محکوم شد. در اعلامیه تاکید شده است که اقوام عرب و خلیج فارس باید منطقه صلح باشد و پایکامهای خارجی در این مناطق برچیده شود.



هواپیماهای اسرائیلی ژاپر دیگر به لبنان تجاوز کردند

هواپیماهای جنگی اسرائیل در روزهای اخیر چند بار بر فراز بیروت و شهر صیدا به پرواز درآمدند و تویخانه اسرائیل نیز شهر صیدا را زیر آتش گرفت. در جریان این حمله ۶ تن کشته و حدود ۱۷ تن مجروح شدند. از سوی دیگری تحریکات نیروهای مسلح سرگرد سمعداد نیز در جنوب لبنان ادامه داد. نیروهای سرگرد حداد که از اسرائیل دستور میگرد، در یک هفته اخیر بارها مواضع فلسطینی ها و نیروهای ترغیبخواه لبنان در جنوب کشور را زیر آتش گرفته اند. این تجاوزات و تحریکات خشم مردم جنوب لبنان را برانگیخته است. **«کنفرانسی خبرگزاریهای افریقایی، خبرگزاریهای امپریالیستی را محکوم کرد»**

مردم کره جنوبی در برابر تهدیدهای رژیم دست نشانده و اربابان آمریکائی آن همچنان مقاومت میکنند

مردم کره جنوبی در برابر تهدیدهای رژیم دست نشانده و اربابان آمریکائی آن همچنان مقاومت میکنند. **«مردم کره جنوبی در برابر تهدیدهای رژیم دست نشانده و اربابان آمریکائی آن همچنان مقاومت میکنند.»**

مردم کره جنوبی در برابر تهدیدهای رژیم دست نشانده و اربابان آمریکائی آن همچنان مقاومت میکنند. **«مردم کره جنوبی در برابر تهدیدهای رژیم دست نشانده و اربابان آمریکائی آن همچنان مقاومت میکنند.»**

مردم کره جنوبی در برابر تهدیدهای رژیم دست نشانده و اربابان آمریکائی آن همچنان مقاومت میکنند. **«مردم کره جنوبی در برابر تهدیدهای رژیم دست نشانده و اربابان آمریکائی آن همچنان مقاومت میکنند.»**

کفیل ریاست جمهوری سیرائون: خلقهای آفریقا از کمکهای کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول از کمک اتحاد شوروی سپاسگزارند

روز آزادی آفریقا با شکوه فراوان در سراسر این قاره جشن گرفته شد و سازمان های ترغیبخواه قاره آفریقا با انتشار بیانیه های مختلف اعلام کردند که مردم آفریقا تا آزادی کامل از یوغ امپریالیسم و مزدوران داخلی آن به نبرد بزرگ خود ادامه خواهند داد. **«سازمان های مبارز آفریقای جنوبی از جمله اعلام کرده اند که مبارزه علیه رژیم ژادپرست آفریقای جنوبی، در پیرو آزاد شدن نیمه بسوه میتواند وارد مرحله تازه ای شود. به همین مناسبت ابراهیم کارومبا، کفیل ریاست اتحادیه های سیرالئون اعلام کرد که خلقهای آفریقا از کمکهای کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول از کمک های اتحاد شوروی در زمینه آزادی و استقلال آفریقا سپاسگزار می کنند و این کمکها بود که مسیر استقلال بسیاری از کشورهای آفریقا را هموار کرد.»**

نژادپرستان آفریقای جنوبی کماکان به توطئه و تحریک علیه آنکولا ادامه میدهند

نیروهای رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی با ردیگری از پایگاههای خود در نامی با وارد خاک آنکولا شده و در جریان این تجاوز دوست تن از اهالی بیگانه آنکولا را کشتند. بسیاری از کشته شدگان را زنان و کودکان تشکیل میدادند. این دومین حمله آفریقای جنوبی به آنکولا در ماه مه است. در جریان این حمله چند مزرعه و کارخانه به آتش کشیده شد. **«سازمان همبستگی آسیا و آفریقا از پیش نهاد جمهوری دمکراتیک افغانستان برای عادی کردن روابط با پاکستان حمایت میکند»**

بادشمن اصلی مردم ایران

بادشمن اصلی مردم ایران... **«بادشمن اصلی مردم ایران...»**

بادشمن اصلی مردم ایران... **«بادشمن اصلی مردم ایران...»**

بادشمن اصلی مردم ایران... **«بادشمن اصلی مردم ایران...»**

ضریبات تازه چریکهای جبهه آزادیبخش پولیساریو به نیروهای اشغالی مغرب

چریکهای جبهه آزادیبخش پولیساریو، که برای استقلال صحرای غربی مبارزه میکنند، ضریبات تازه ای به نیروهای اشغالی مغرب وارد کرده اند. **«جبهه پولیساریو در بیانیه ای اعلام کرد که در جریان حمله به یک پادگان ارتش مغرب حدود صد سرباز مغربی کشته شدند. در جریان جنگ میان چریکها و سربازان رژیم مغرب همچنین صدها سرباز مغربی مجروح شدند. در این نبرد مقادیر زیادی سلاح و مهمات بدست چریکهای پولیساریو افتاد.»**

کشتار سیاهان، ماهیت ضد بشری باصطلاح حقوق بشر کارتر را فاش کرد

کناره های رسیده انیمایی (آمریکا) حاکی از آن است که اوضاع شهرداری قتل عام سیاهان بسویله پلیس و ژادپرستان همچنان متشنج است و در روز گذشته صد دیگری از سیاهان بازداشت شدند. **«ژادپرستان با کمک مأمورین پلیس مانع فعالیت عادی سیاهان میشوند.»**

دومین شماره

دومین شماره... **«دومین شماره...»**

نقدی بر فیلم

نقدی بر فیلم... **«نقدی بر فیلم...»**

کشتار سیاهان، ماهیت ضد بشری باصطلاح حقوق بشر کارتر را فاش کرد

کشتار سیاهان، ماهیت ضد بشری باصطلاح حقوق بشر کارتر را فاش کرد... **«کشتار سیاهان، ماهیت ضد بشری باصطلاح حقوق بشر کارتر را فاش کرد...»**

دومین شماره

دنیای

منتشر شد

علاوه بر کتابفروشی ها و روزنامه فروش ها مجله دنیا را میتوانید از کیوسک های فروش نشریات بخواهید

از کمک های مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم

۵۰۰۰ ریال

دانشجویان دمکرات

دانشکده علوم دانشگاه تهران

۳۳۲۰۰

کشتار سیاهان، ماهیت ضد بشری باصطلاح حقوق بشر کارتر را فاش کرد

کشتار سیاهان، ماهیت ضد بشری باصطلاح حقوق بشر کارتر را فاش کرد... **«کشتار سیاهان، ماهیت ضد بشری باصطلاح حقوق بشر کارتر را فاش کرد...»**

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود... **«تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود...»**

نامه «مردم» روز چهارشنبه، بمناسبت زادروز علی ابن ابیطالب، امام اول شیعیان، منتشر نمیشود

درجهان سوسیالیسم

گسترش حجم بازرگانی خارجی کشورهای سوسیالیستی روز افزون است

یکی از عواملی که هرچه بیشتر رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی را تضمین می کند، بازرگانی خارجی است. حجم بازرگانی این کشورها در سال ۱۳۵۷، ۱۷۳ میلیارد روبل، یعنی ۲۰ برابر رقم مشابه در سال ۱۳۲۹ بود. در سالهای ۵۷-۱۳۲۹، حجم بازرگانی میان کشورهای عضو شورا، بیش از ۲۲ برابر گشت. در دوران نامبرده، بازرگانی این کشورها با کشورهای رشد یافته نیز گسترش بسیاریافت و ۳۲ برابر شد. در سال ۱۳۵۷ حجم بازرگانی کشورهای شورای همکاری اقتصادی با کشورهای صنعتی سرمایه داری ۱۶/۵ برابر پیکره همانند در سال ۱۳۲۹ بود. اکنون کشورهای عضو شورا با بیش از صد کشور آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین مناسبات بازرگانی مستمر دارند. در حدود ۷۸۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۷ رسید، این کشورها، نزدیک به ۱۵ میلیارد روبل اعتبار، تحت شرایط بسیار مساعد، از اعضای شورای همکاری اقتصادی، دریافت میدارند.

درجهان سرمایه داری

درجه اشتغال زنان در کشورهای سرمایه داری

جدول زیر درجه اشتغال زنان را (به درصد) در برخی از کشورهای سرمایه داری نشان میدهد

کشور	درجه اشتغال (به درصد)
ایتالیا	۱۹
اتریش	۵۰
ایالات متحده آمریکا	۵۰/۵
سوئد	۷۰/۵
فنلاند	۷۲/۵
فرانسه	۷۲/۵

از جمله زنان خانهدار و کسانی که فقط چند ساعت در روز کار میکنند. برای مقایسه، یادآور میشویم که پیکره نامبرده برای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۹۳، برای جمهوری دمکراتیک آلمان ۸۷، برای بلنارستان ۸۵، برای لهستان ۸۱/۵ و برای جمهوری توده ای مجارستان ۷۷ است.



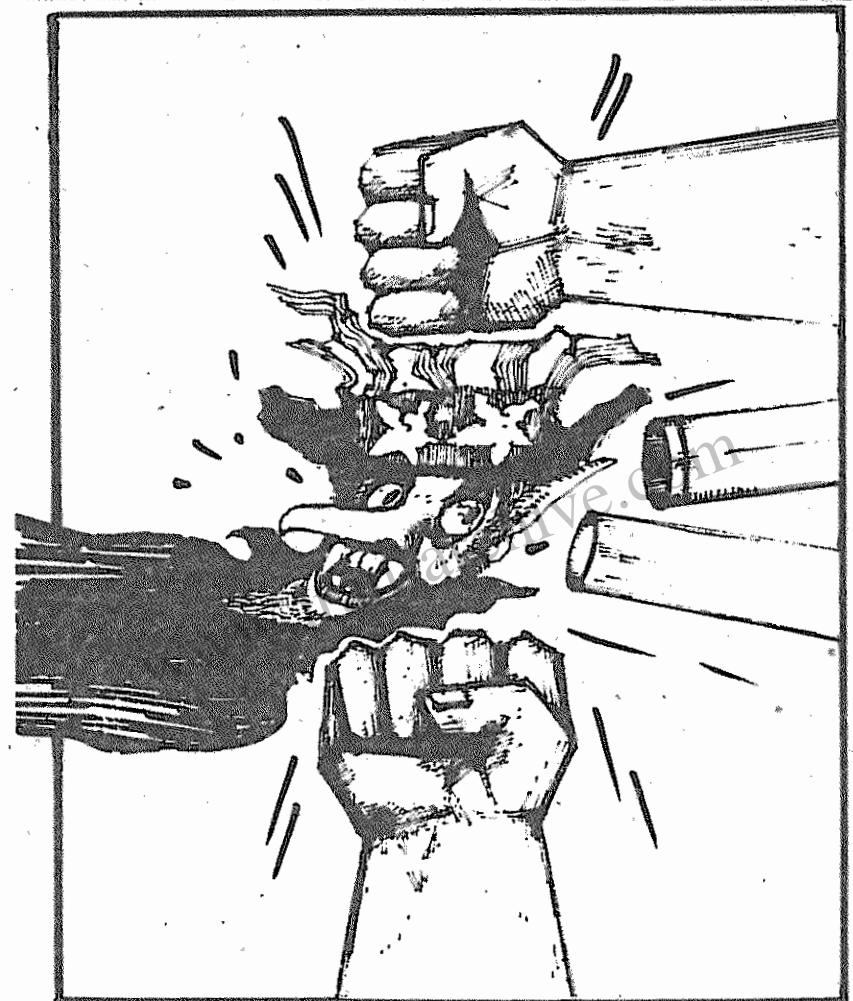
رادیو و تلویزیون در خدمت ورزش

رادیو و تلویزیون میتواند با اختصاص دادن قسمتی از برنامه های خود مردم را هر چه بیشتر به ورزش جلب کند. این برنامه ها میتواند شامل خبرها، رویدادها، تفسیرها و برنامه های آموزشی ورزشی باشند و هر کدام از این برنامه ها می توانند به پیشبرد ورزش و آمیختن آن با زندگی مردم کمک مؤثر کنند. در اتحاد شوروی رادیو و تلویزیون با اختصاص دادن ساعات زیادی از وقت خود، برای پیشبرد ورزش و توده ای کردن آن کمک های شایان توجهی به این امر میکنند. رادیو و تلویزیون با برنامه های آموزشی و پیش نمایش مسابقات مهم، سعی در جلب توجه های مردم به ورزش را دارند. ۷۰۰ ساعت از برنامه های سالانه رادیو، که از ۱۶۹ ایستگاه

لرد کیلینین: تحریم المپیک مسکو از جانب آمریکا با شکست روبرو شد

لرد کیلینین رئیس کمیته بین المللی المپیک اعلام کرد که چاروتچینال تبلیغاتی آمریکا در مورد المپیک مسکو با شکست کامل روبرو شد. لرد کیلینین، که با خبرنگار خبرگزاری آسوشیتد پرس سخن می گفت، ضمن اظهار مطلب بالا افزود، بنابر خبرهای تازه، برخی از کشورها که در مورد تحریم المپیک مسکو از آمریکا دنباله روی کرده بودند، اینک مایلند در تصمیم خود تجدید نظر کنند. لذا به پیشنهادی که درخواست های جدیدی برای شرکت در بازی های المپیک مورد بررسی قرار گیرد. وی افزود، «برخی از کمیته های ملی المپیک زیر فشار شدید دولت های خود تصمیم گرفتند ورزشکاران خود را به مسکو نفرستند. با وجود این اگر آن ها بخواهند در بازی های المپیک شرکت کنند، ما مانعی ایجاد نخواهیم کرد. من فکرمی کنم که سازمان دهندگان بازی های المپیک مسکو هم به این مسئله روی موافق نشان خواهند داد.»

رادیوی پخش میشود، اختصاص به ورزش دارد. در این برنامه ها آخرین خبرها و رویدادها و همچنین تفسیرهای ورزشی و برنامه های آموزشی ورزشی گنجانده شده است. تلویزیون نیز با اختصاص دادن ۸۰ ساعت از برنامه سالانه خود به ورزش، که از ۱۲۱ مرکز (البته به جز ایستگاه های رله) پخش میشود، میلیون ها علاقمند در اتحاد شوروی و اروپا را در جریان آخرین تحولات ورزشی در اتحاد شوروی و جهان قرار میدهد.



کمالی، شکنجه گرساواک در انفجارات اخیر دست داشت

ما درباره لزوم مقابله بنیادی با وابستگی امپریالیسم آمریکا و رژیم گذشته، از ساواک ها گرفته تا زمینداران و سرمایه داران بزرگ و وابسته، بارها و بارها سخن گفته ایم. اتفاق هایی که در گوشه و کنار مملکتمان نیز رخ میدهند، تأکیدی بر اهمیت این مقابله جندی با عوامل نظامی سرنگون شده است. به اعتقاد ما آزادگاران ساواکی ها و وابستگان مستقیم رژیم متحله پهلوی به منزله بازگذاشتن دست آمریکا و رژیم متحله پهلوی است. این ها، دستها، چشما، گوشها و بازوهای فعال آمریکا و شاه متلوسع هستند و فلان به خرابکاری مشغولند و همگی در انتظار لحظاتی هستند که

رژیم جمهوری اسلامی سرنگون شود. آنچه در دادگاه کمالی، شکنجه گری معروف ساواک یعنی بر دخالت وی در انفجارات اخیر و درگیری های کردستان گفته شد، زنگه خطری است که ما بارها و بارها از آن سخن راننده ایم. ساواکی ها، آنچنان که کمالی کرده است، حتی در زندان ها نیز تبلیغ میکنند که «این رژیم رژیم نیست که باید از آن فرار کرد...» (جمهوری اسلامی - ۵ خرداد) و برای آنکه این رژیم پایدار نماند، از هیچ جنبایی فروگذار نمی کنند. مبارزان مسلمان هم، که توسط کمالی شکنجه شده اند، همین نظر را دارند.

واحدهای حزب توده ایران در ایتالیا از انقلاب ایران دفاع می کنند

واحدهای حزب توده ایران در ایتالیا برای دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک و خلقی ایران بر رهبری امام خمینی، و مقابله با آمریکای جهان خواران کلیه امکانات خود استفاده می کنند. بر این اساس، هواداران حزب توده ایران در ایتالیا، در اردیبهشت ماه بمناسبت کنفرانس باشکوه دانشجویان فلسطینی، کنفرانس های احزاب کمونیست یونان، عراق، ویتنام در ایتالیا، تظاهرات ضد فاشیستی مردم ایتالیا، همبستگی با خلق السالوادور،

شوخی نیست...!

آسوشیتد پرس به میل خود ۴۳ کشور را از شرکت در المپیک محروم کرد

خبرگزاری آمریکایی آسوشیتد پرس، در کنار همه نیرنگها، دروغها و جلیاتش، برای اینکه شکست سیاست تحریم المپیک کارتر را لاپوشانی کند، آستین ها را بالا زد و ۴۳ کشور را، که رسماً در المپیک شرکت کرده اند، از لیست ۱۰۲ کشور شرکت کننده حذف کرد. این خبرگزاری خبری ارسال کرده که روزنامه کیهان آنرا تحت عنوان ۵۱ نه و ۵۹ آری به المپیک، در صفحه اول شماره چهارم خرداد خود چاپ کرده است: «تا لحظاتی پیش از پایان مهلت نامنویسی در بازی های المپیک مسکو جمعا ۵۱ کشور از اعزام تیمی ورزشی خود به مسکو خودداری نموده اند، ممکن است در لحظات باقی مانده برخی از این کشورها تغییر رای دهند. همین خبر حکایت از آن دارد که ۵۹ کشور بطور نهایی حضور ورزشکاران خود را در بازی های اعلام نموده اند.»

این دروغ بزرگ خبرگزاری آمریکایی را روزنامه اطلاعات همان روز، از قول مقام های ورزشی شوروی تکذیب کرده است: «رپوز مرقم های روسی المپیک ۱۹۸۰ مسکو اعلام نمودند که از ۱۴۷ کشور عضو لیست المپیک، ۱۰۲ عضو آمادگی خود را برای شرکت در لیست و دومین دوره المپیک اعلام کرده اند.» - خبرگزاری آسوشیتد پرس مثل آربابانش بیخود زور میزند که کشورهای دنیا را پس و پیش کند. دنیا عرض شده است.

مجازات بسیار سخت برای ساواکی

معاون استانداری یزد، مهندس مهدی رضائی، که سابقاً شهردار زابل بود و بعد از انقلاب، علاوه بر مشاور استانداری، مسئول طرح جهاد سازندگی هم بود، مأمور ساواک از آب درآمد و خیرش هم در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۵ اردیبهشت چاپ شد. حالا فکر می کنید برای این جناب چه مجازاتی در نظر گرفتند؟ اعدام؟ نه، طرف که چنانکار نبود. حبس ابد؟ نه، این پایا که قاجارچی نبود. زندان؟ نه... برای ایشان مجازات خیلی سختی در نظر گرفته شد. از این جناب خواسته شده که دیگر نزدیک استایاری نیاید. حیرت کردید؟ باید هم حیرت کنید، اما خبر صد در صد درست است.

روابط دوستانه

دولت کانادا روز پنجشنبه صادرات کلیه کالاها را به ایران ممنوع اعلام کرد. مارک کیگان وزیر خارجه کانادا ضمن یک اطلاعیه گفت که کانادا مایل است روابط دوستانه ای با ایران داشته باشد. (اطلاعات - ۳ خرداد)

بدیاری تازه مائوئیست ها

در این جفته مائوئیست ها بازم بد آوردند، بدین معنی که کارگران آنها را از شرکت کشت و صنعت کارون بیرون انداختند. کارگران در يك طومار پارچه ای، که هزار امضاء دارد، علت اخراج مائوئیست ها را چنین اعلام کرده اند: «اخراج شدگان با تشکیل یاتده، توتیستی کارگران پیشرو، قصد به تعطیل گذاشتن مجتمع عظیم کشت و صنعت کارون را داشتند.» کارگران در ادامه طومار، آگاهی خود را به مائوئیست های مدعی رهبری طبقه کارگر نشان داده و نوشته اند: «لاراضیان جامعه ما دانسته و با ندانسته در اجرای نقشه های امپریالیسم آمریکا در جهت تظلم نمودن کارخانجات هستند.» گفته میشود مائوئیست ها بعد از این بدیاری تازه، گفتند: اینها پروتاریا بودند که قدر ما را ندانستند، برویم یک پروتاریای حسابی بگت بیاریم و آنها را رهبری کنیم!

اخراج

نماینده جبهه آزادی بخش فلسطین در يك مساجحه مطبوعاتی گفت: آمریکا ظاهراً مدافع اسلام است، اما به ایران حمله نظامی میکند. (یامداد - ۳ خرداد)

طلب مغفرت چین

به گزارش روزنامه ژاپنی ساندهی سیمبون، رهبران چین شرکت داوطلبان چینی را، که در سال ۱۹۵۰ در واحدهای جمهوری دمکراتیک خلق کره علیه متجاوزان آمریکایی وارد جنگ شدند، اشتباه بزرگ تملی کردند و از آمریکا طلب مغفرت نمودند. فقط مانده رهبران چین از اینکه در این کشور انقلاب شده، طلب مغفرت کنند و به آمریکا غرامت بدهند!

نامه «مردم» بزبان آذربایجانی را روزهای چهارشنبه هر هفته از کلیه کیوسک های فروش نشریات بخوانید

شماره های گذشته نامه «مردم» از شماره يك تا صد برای فروش به طور تک شماره آماده است

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۴۵

شماره تلکس: 214081 TPI IR

چاپ: کلویان

MARDOM

No. 245

27 May 1980

Price: West - Germany 0.80 DM

France 2 fr.

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 fr.

Italy 350 L.

USA 50 Cts.

Sweden 1.50 Skr.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود